

تاریخ اسلام

* مؤلف : علی اکبر فیاض

* ناشر : دانشگاه اسلام

* سال نشر : ۱۳۷۶

* نوبت چاپ : هشتم

* محل نشر : تهران

دکتر علی اکبر فیاض استاد دانشگاه و محقق گران قدر آثاری در حوزه تاریخ به یادگار گذاشته است که از جمله آنها کتاب *تاریخ اسلام* است. این کتاب که امروزه در برخی از مراکز علمی کتاب درسی است، یک دوره مختصر و فشرده از تاریخ اسلام می باشد که به تناسب از دوره جاهلی و زندگی عرب پیش از اسلام در جزیره العرب آغاز شده و تا دوره عباسیان را شامل می شود.

مرحوم فیاض نگارشی استوار و متین و قلمی روان و سلیس داشت ولی از آنجا که بر متون کهن عربی و فارسی مسلط بود گاه از واژگان عربی، که برای فهم دانشجوی امروزی دشواری می آفریند، سود جسته است و به راحتی معلوم می دارد که نوشته وی به نسل گذشته نویسندگان ایرانی تعلق داشته است.

ترتیب مطالب کتاب، نظم تاریخی دارد و مؤلف سعی داشته تا به ترتیب وقوع حوادث، توصیفی دقیق، جامع و گزیده به خواننده ارائه دهد و همواره با دقت نظر خود امانت را در نقل حوادث تاریخی رعایت کند. منابعی که مرحوم فیاض از آن سود برده جزء مهم ترین منابع حوزه تاریخ اسلام بوده است و در این راه از کتاب های خاورشناسان و دیگر محققان حوزه تاریخ اسلام نیز غفلت نورزیده است.

کتاب *تاریخ اسلام* متأسفانه بارها با حروف چینی قدیمی و با اغلاط فراوان چاپی به بازار عرضه شده بود اما در آخرین چاپ به کوشش علیرضا عسکری بسیاری از اغلاط تصحیح و برخی از واژگان و اعلام حرکت گذاری شده است و با حروف چینی جدید برای خوانندگان و دانشجویان خواندنی تر شده است.

به رغم مزایا و نکات مثبت فراوان کتاب، کاستی ها و نقاط ضعفی در این اثر می باشد که قابل طرح و بررسی است و امید می رود در چاپ های بعدی مورد توجه ناشر محترم قرار گیرد. اینک به مهم ترین آنها اشاره می شود:

۱. کتاب پیشگفتار و مقدمه ندارد. از این‌رو، نمی‌توان به انگیزه‌های مؤلف از تألیف کتاب و روش او به خوبی آگاهی یافت. همچنین در پایان کتاب منابع و مأخذ نیامده است. گرچه در پاورقی به اختصار به منابع ارجاع داده شده است. بهتر بود که در پیوست کتاب یا در داخل متن از نقشه‌های تاریخی برای تفهیم مطالب استفاده می‌شد.

۲. شیوه ارجاع به منابع در پاورقی یکسان نیست. گاهی ابتدا نام مؤلف آمده و گاهی نام کتاب و افزون بر این، ارجاعات بسیار خلاصه و گاه ناقص است؛ به گونه‌ای که پژوهشگران آشنا به منابع تاریخی نیز به سختی می‌توانند از ارجاعات سودی ببرند. (برای نمونه ر.ک ص ۳، ۴۳، ۴۷، ۱۶، ۲۰، ۲۲، ۱۳۹).

۳. از حیث منابع، مؤلف محترم بیشتر از منابع مشهور تاریخی، که مؤلفان آنها اعتقاد به مذهب اهل سنت داشته‌اند، استفاده کرده است و در موارد محدودی مانند موضوع سقیفه و بعثت پیامبر (ص) به آراء شیعه توجه کرده است. به طور کلی به ندرت از روایات و گزارش‌های شیعی بهره برده است.

از حیث محتوا، روش مؤلف مرحوم آن بوده است که براساس مستندات موجود در منابع تاریخی سخن بگوید. از این‌رو، اگر نقل تاریخی با عقاید فرق اسلامی سازگاری نداشته باشد، نیازی به ذکر آراء مخالف نمی‌بیند و تنها، در برخی موارد، به نقل دیدگاه‌های مخالف پرداخته است. برای مثال برخی از گزارش‌های تاریخی با عقاید کلامی شیعی که امروزه رایج است، سازگاری ندارد. مانند قضا شدن نماز پیامبر و لشکریان مسلمان در جنگ خندق (ص ۸۶) یا پیشیمانی پیامبر (ص) از تصمیم خود در مورد مجازات یکی از مجرمان به آتش یا شمشیر (ص ۸۹) یا تأیید شخصیت مجهول عبدالله بن سبا مدافع عقیده وصایت و از حامیان علی بن ابی طالب (ع) و شورشیان و معترضان بر عثمان بن عفان خلیفه سوم (ص ۱۳۹-۱۴۰). مؤلف در موارد یاد شده بی‌آنکه اشاره‌ای به دیدگاه‌های منتقدانه بنماید به موضوع دیگر پرداخته است.

به هر روی با ویراستاری مجدد کتاب و رفع پاره‌ای از نواقص صوری و محتوایی، می‌توان انتظار داشت تا مدت‌ها به عنوان کتاب درسی مورد توجه کلاس‌های درس تاریخ اسلام باقی بماند.